

. سؤال بیست و چهارم 2015 جنوری 12 دوشنبه

نماز گزاران سر برهنه

دکتور فرید یونس

دوست عزیز و گرامی ام همایون جان عزیزی که در شمال کلیفورنیا زندگی دارد ، در یک مسجد، تازه به نماز نیت کرده بود ، که دفعتاً شخصی یک کلاه را به سر او گذاشته است. این دوست عزیزم سؤال کردند که آیا کلاه ضرور است که در وقت عبادت به سر کرد؟ همچنان نظر من را در مورد استفاده تسبیح جویا شده اند

من بیست سال قبل در تلویزیون «صدا و سیمای افغانستان» که به همت برادران گرامی و عزیزم خلیل جان راغب و عظیم جان عظیمی سرپرستی می‌شد، یک برنامه زیر عنوان «ما و دین ما» داشتم. در آن زمان تلویزیون های که امروز داریم و توسط قمر مصنوعی پخش می‌شود ، در دسترس افغانان نبود. «صدا و سیمای افغانستان» در شهر فریمان، ایالت کلیفورنیا ، هفته یکبار برنامه داشت و من برای پنج الی هفت دقیقه در باره اسلام هفته وار صحبت میکردم. در آنوقت بود که من در مورد کلاه در نماز صحبت کردم و گفته بودم که کلاه در نماز لازم نیست و نماز بدون کلاه درست است. نگرانی من این بود که در آن زمان مساجد افغانی نوظهور بودند و یک عده به تقلید از پاکستان کلاه‌های بورئیایی به سر می کردند و مساجد بدون اینکه موضوع حفظ الصحه را مد نظر گیرد، یک عده کلاه را در دهن دروازه مسجد آماده داشته بودند تا نمازگزاران کلاه به سر کنند. من سخت موضوع را انتقاد کردم زیرا کلاه یک شخص دیگر را پوشیدن غیر صحی است مثل اینکه برس دندان یک شخص دیگر را استفاده کنیم. بعد از آن برنامه، مساجد متوجه شدند و آهسته آهسته کلاه‌ها را از صحنه دور کردند. اما یک برادر محترم که اسم شانرا یاد نه هجری خورشیدی که به همت 1373 می کنم، در هفته نامه وزین امید مورخ سوم اسد برادر گرامی محمد قوی کوشان به نشر میرسد، یک انتقاد نوشته کرد که گویا من شریعت را نه میدانم و نماز بدون کلاه مکروه میشود. من جواب آن برادر محترم را در ماهنامه وزین کاروان که به همت استاد شکرالله کهگدای در آن زمان به نشر می‌رسید نوشتم که بعد از بیست سال با کمی اضافات دوباره به نشر میرسد

از برادر محترم که انتقادی به ارتباط ادای نماز با سر پوشیده یا برهنه نوشته بودند (امید هجری خورشیدی) متشکرم ، زیرا یقین دارم آن را با نیت خوب 1373 اسد 3، شماره نوشته‌اند و «امید» هم آنرا با نیت نیک به چاپ رسانده است. اما بیایم محاسبه نمایم: بدانیم که اسلام چه میفرماید. بحث را به مذهب حنفی اختصاص دهیم ، ورنه مثلاً در احکام ستر عورت، شافعیان زانوی مرد را به حساب عورت نه می آرند و حنفیان ضرورت ستر عورت را تا زانوی مرد میدانند. گرچه پوشیدن کلاه برای مرد در هنگام نماز رواست در صورتیکه اگر زینت همان شخص در همان زمان به همان سن و سال حساب شود، پوشیدن آن کلاه یا عمامه به حساب پسندیده می آید. اما حقیقت آنست که پوشیدن آن کلاه در نماز برای مردان نه فرض است و نه واجب و نه سنت. حتی در باره مستحب بودن آن در قرآن کریم و در حدیث شریف و در کتاب‌های معتبر مذهب حنفی که هشتاد در صد مردم افغانستان پیرو آن هستند ،حکمی نیامده است. اگر نماز بدون کلاه واقعاً مکروه میبود ، صاحب «مختصر الوقایه» آنرا در متن خود کتاب می‌نوشت و کار را برای حاشیه نویس نمی گذاشت؛ حال آنکه در متن نه نوشته است و حتی حاشیه نویس هندی صد سال قبل ( که رواج عهد خود را در نظر میداشته) ضرورت کلاه را گفته است ، باز هم قبول کرده که از روی خضوع سر برهنه نماز خواندن رواست و اگر آنرا در جمله

مکروهات قلمداد کرده از روی رعایت رسوم مسلمانان هند در زمان او بوده است. البته بدون ستر عورت نماز روا نمیشود. اما ستر عورت حد اقل لباس است، حکمت خدای پاک را تقدیر کنیم که فرموده است: " ای بنی آدم در هر مسجد (هنگام نماز) زینت خویش را ( و این حکم را مخصوص مسلمانان نساخته . حتی نفرموده است که 22 بگیرد(اعراف آیه زینت چیست و معنی آنرا به تشخیص عرف آدمیان هر زمان گذاشته است. در زمان حضرت رسول اکرم (ص) همه مسلمانان یک زینت نمی گرفتند. قبایل عرب رسم و رواج های داشتند و هر کدام زینت دیگری. این را میدانیم که به زودی اسلام از سر زمین عرب به قسمت بزرگ جهان آن زمان از ماوراء النهر تا اندلس رسید و مردمان که مسلمان شده بودند بعضی به سر چادر و عقال (چهل تار) داشتند و بعضی کلاه و بعضی هم مانند هندیان و خراسانیان عمامه و بعضی نظر به ایجاب عرف سر برهنه بودند. کلاه ها هم به صد ها نوع بود ، اسلام هرگز نگفته است به طرز حجاز سر بپوشانید و یا نه بپوشانید

زیاده از هزار سال گذشت ، طرز لباس و طرز پوشیدن سر مردان یا نه پوشیدن آن نزد مسلمانان از چین تا سینیگال بار ها و بارها تغییر یافت و هنوز تغییر می یابد. حکم اسلام به جاست یعنی ستر عورت مطلقاً شرط نماز است و زینت متعارف ضروری است، کلاه باشد یا نباشد. بیرون از موسم حج، حرمین شریفین برویم ، بنگریم که هزاران مرد سر برهنه نماز می خوانند زیرا کلاه پوشیدن را شامل زینت نه می دانند. یعنی کسان کلاه دارند و آنرا زینت می دانند و عرف مردم شان همان است و حاشیه نویس «مختصر الوقایه» که شاید در لکنهو و یک شهر هند می زیسته نیز از همین جمله بوده باشد. مهم اینکه در فرهنگ اسلام وقتی کسی به دربار خداوند تضرع میکند سر خود را برهنه می کند

در تفسیر پیر طریقت خواجه عبدالله انصاری (رح) مشهور به کشف الاسرار که عالیترین و سوره اعراف را در باره 31 تفسیر ترین تفاسیر به زبان فارسی است ، بیان تفسیر آیه زینت چنین میخوانیم ، « به زبان علم ، معنی این آیه ستر عورت است در نماز و به زبان کشف زینت هر بنده در مقام مشاهدات ، حضور دل است و لزوم حضرت»(تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید از خواجه عبدالله انصاری هروی

بعضی فقهای بزرگ معاصر افغانستان بشمول صد سال اخیر علمای جید تر از آن حاشیه نویس هندی بوده اند و هیچکدام به فرزند و نواده خود نگفتند که نماز تو بدون کلاه مکروه می شود و یا «تو مانند من حتمی دستار داشته باشی». در هیچ کتاب دینیات مکاتب که ما در کابل درس خواندیم نیامده که بدون کلاه نماز مکروه می شود ، ( مگر اینکه حالا وهابی ها و پاکستانی ها این را رواج داده باشند). سخت گیری و سختی افزودن در نماز در کتاب 810 تا 787 (بیرون حکم قرآن و حدیث) در اسلام روا نیست. احادیث شماره اللباس در صحیح بخاری شریف بیان میکند که موی و گیسوی سید المرسلین (ص) تا به شانه اش میرسید ( برعکس بعضی ها که تراشیدن سر را از لوازم دین میدانند) و در هیچ حدیث شریف راجع به کلاه یا چادر در باره حضرت رسول اکرم (ص) در هنگام نماز چیزی ندیده ام و ضرورت پوشاندن سر مرد در وقت نماز در کلام الله مجید روایت نشده است میرسیم به مراسم حج: حاجی طواف ، صفا و مروه و عرفات را انجام میدهد و احرام به تن دارد، سرش برهنه است. هرگز نباید گفت احکام حج به نماز ارتباط ندارد. احکام حج به نماز سخت ارتباط دارد زیرا همان حاجی در شبانه روز در حالی که احرام به تن دارد نماز های پنجگانه را هم ادا میکند و سر او برهنه است. هم حاجی است و هم نماز

گزار. اگر حاجی، کلاه در آن هنگام یا چادر بپوشد به صحت مناسک او آسیب میرسد. یعنی در آن ایام کلاه پوشیدن منع است  
همه بکوشیم تا مسلمانان پیر و جوان را به نماز خواندن تشویق نماییم نه اینکه بگفته یک حاشیه نویس هندی نماز شانرا مکروه بدانیم و یا به طرز مساجد پشاور بر سر شان کلاه بوریائی بگزاریم (که شاید روز قبل آنرا کسی پوشیده که بیماری سر و تکلیف جلدی داشته باشد). این کلاه بوریائی پشاور در مساجد کابل، هرات، مزار و قندهار دیده نمیشود و خلاف حفظ الصحة اسلامی، مدنی و بین‌المللی میباشد. من به تمام مساجد در آمریکا و اروپا و کانادا و استرالیا پیشنهاد می‌کنم تا این کلاه بیت المال را از مساجد بردارند. در پایان پیشنهاد می‌کنم که بگزارید هر چه بیشتر پیر و جوان ما سر برهنه یا سر پوشیده سر به مسجد بگذارند و برای حال زار مردم در بدر ما دعا کنند تا خداوند عذابی را که در اثر بی‌نمازی، ناشکری و حتی کفر و الحاد پانزده سال پیش (حالا سی و پنج سال) با لای ما نازل شده رفع کند. آمین  
در مورد تسبیح باید بگویم که بدعت حسنه است. بدین معنی که با سنگ و چوب نام الله را یاد می‌کنیم. در فرهنگ دینی ادیان ابراهیمی قبل از اسلام هم وجود دارد و مسلمانان مبتکر آن نیستند، به تفاوت اینکه تسبیح مسلمانان عدد آن باید طاق باشد بطور مثال یازده عدد و یا سی و سه عدد. این به خاطر تفکر توحیدی است زیرا خداوند دوگانه نیست و واحد و یگانه است. همچنان چون در احادیث پیشوای اسلام میخوانیم که سی و سه بار سبحان الله و سی و سه بار الحمد لله و سی و سه بار الله و اکبر بعد از نماز گفته شود، ازین لحاظ دانه‌ها به همان عدد است. تسبیح نود و نه دانه ئی معرف اسماء الحسنی یا نود و نه اسم خداوند (ج) می‌باشد. مسلمان از تسبیح کار میگیرد تا سفارش که در مورد شمار ذکر الله (ج) شده است اشتباه رخ ندهد و با دین هیچگونه منافات ندارد. نزد علما یک موضوع قبول شده است و مسلمان با استفاده آن شامل گناه نمیشود

نگاشته شد 2015 جنوری 12 دوشنبه